

سیاست‌های مالیاتی و رشد اقتصادی در ایران: تحلیلی بر مبنای نقش ذی‌نفعان و فرآیند تغییر خط‌مشی‌های مالیاتی

راحله پیراینده

کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
rahlhpyrayndh@gmail.com

شماره ۱۰۵ / تابستان ۱۴۰۴ (جلد سوم) صص ۲۷۶-۲۸۵
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره هشتم)

چکیده

مالیات به‌عنوان محور اصلی تأمین منابع عمومی و ابزار سیاست‌گذاری اقتصادی، نقش مهمی در جهت‌دهی به رشد اقتصادی و توزیع درآمد دارد. در ایران، ساختار نهادی و سیاسی، وابستگی تاریخی به درآمدهای نفتی و نقش مؤثر گروه‌های ذی‌نفع باعث شده است که تغییرات در خط‌مشی‌های مالیاتی پیچیده و چندوجهی باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سیاست‌های مالیاتی و رشد اقتصادی ایران، رویکردی کیفی و مبتنی بر تحلیل مضمون (داده‌بنیاد) اتخاذ کرده و نقش ذی‌نفعان در فرآیند تغییر خط‌مشی‌های مالیاتی را مورد تحلیل قرار می‌دهد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان اقتصاد عمومی، مدیران و کارشناسان سازمان امور مالیاتی و نمایندگان بخش خصوصی و نهادهای مدنی گردآوری شد و طی فرآیند کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد که (۱) توزیع منافع میان گروه‌های ذی‌نفع و توازن قوا، تعیین‌کننده جهت و سرعت تغییرات مالیاتی است، (۲) ناکارآمدی‌های نهادی، ضعف اطلاعات و مقاومت اجتماعی از موانع اصلی اصلاحات مالیاتی هستند، و (۳) سیاست‌های مالیاتی کارا که مبتنی بر شفافیت، عدالت و مشارکت ذی‌نفعان طراحی شوند، می‌توانند منجر به افزایش درآمدهای پایدار و ارتقای رشد اقتصادی شوند. مقاله پیشنهاد می‌دهد که برای حصول به رشد اقتصادی متکی بر منابع داخلی، سیاست‌گذاران باید فرآیند خط‌مشی‌گذاری را بازطراحی کنند و نقش آموزه‌ها و ارزش‌های اجتماعی (از جمله آموزه‌های اسلامی در بستر ایران) را در قالب چارچوبی عملیاتی مورد توجه قرار دهند.

واژگان کلیدی: سیاست مالیاتی، تغییر خط‌مشی، ذی‌نفعان، رشد اقتصادی، عدالت مالیاتی، ایران.

مقدمه

زمینه و ضرورت موضوع

در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، تأمین پایدار منابع عمومی همواره یکی از چالش‌های کلیدی سیاست‌گذاران اقتصادی بوده است. وابستگی تاریخی به درآمدهای نفتی نه‌تنها اقتصاد ملی را در معرض شوک‌های خارجی قرار داده، بلکه انگیزه جدی برای توسعه منابع مالیاتی کارا را نیز کاهش داده است. در چنین شرایطی، طراحی و اجرای سیاست‌های مالیاتی که هم ظرفیت درآمدی را افزایش دهد و هم تضادهای توزیعی و اجتماعی را تعدیل کند، اهمیت حیاتی می‌یابد. افزون بر این، ساختار نهادی و شبکه ذی‌نفعان در ایران، شامل نهادهای دولتی، گروه‌های صنفی، بنگاه‌های اقتصادی،

نهادهای مذهبی - اجتماعی و رسانه‌ها، نقشی تعیین‌کننده در جهت‌گیری و موانع اصلاحات مالیاتی ایفا می‌کنند. لذا مطالعه رابطه بین سیاست‌های مالیاتی و رشد اقتصادی بدون در نظر گرفتن نقش ذی‌نفعان و فرآیندهای سیاست‌گذاری ناقص خواهد بود.

طرح مساله

پرسش اصلی پژوهش این است که: «چگونه سیاست‌های مالیاتی و تغییرات آنها از مجرای نقش ذی‌نفعان می‌تواند بر رشد اقتصادی ایران تأثیر بگذارد؟» فرض بنیادین این مطالعه آن است که کیفیت فرآیند خطمشی‌گذاری مالیاتی و نحوه توزیع منافع میان ذی‌نفعان تعیین‌کننده تأثیر سیاست مالیاتی بر رشد اقتصادی است. در عمل، سیاست‌های مالیاتی ناکارا ممکن است نه تنها منبع درآمد پایدار فراهم نکنند، بلکه با ایجاد بی‌عدالتی و فرار مالیاتی، رشد اقتصادی را نیز تضعیف کنند.

اهداف پژوهش

- ✓ ارائه تحلیلی نظری و عملی از رابطه سیاست‌های مالیاتی و رشد اقتصادی در ایران.
- ✓ شناسایی نقش و سازوکارهای اثرگذاری ذی‌نفعان بر تغییر خطمشی‌های مالیاتی.
- ✓ استخراج موانع نهادی و اجتماعی اصلاحات مالیاتی و ارائه راهکارهای سیاستی برای افزایش کارایی و عدالت مالیاتی.

نوآوری و سهم مطالعه

نقطه نوآوری این پژوهش در تلفیق رویکرد تحلیل سیاست‌گذاری (تأکید بر چارچوب‌های تغییر خطمشی مانند چارچوب ائتلاف مدافع و تعادل گسسته) با ملاحظات اقتصادی (رشد و توزیع درآمد) و نیز توجه ویژه به بستر ذی‌نفعان در ایران است. برخلاف بسیاری از مطالعات صرفاً کمی یا صرفاً نظری، این مقاله با روش کیفی و داده‌محور سعی دارد سازوکارهای میان‌رفتی بین نیروهای نهادی-سیاسی و پیامدهای اقتصادی را تبیین کند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

نظریه‌های مالیات در اقتصاد عمومی

در ادبیات اقتصاد عمومی، مالیات‌ها به‌عنوان ابزار اصلی دولت برای تأمین درآمد عمومی، اصلاح ناکارایی‌های بازار و توزیع درآمد مطالعه شده‌اند. راهبردهای بهینه مالیاتی از منظر نظریه انتقال بار مالیاتی، اثرات تشویقی-انگیزشی و کارایی اقتصادی مورد بحث قرار می‌گیرند. پایه نظری مباحثی مانند منحنی لافر (Laffer Curve) که نشان می‌دهد نرخ‌های مالیاتی بسیار بالا می‌تواند با افزایش فرار و کاهش منافع کارایی را کاهش دهد، و نیز مباحث عدالت افقی و عمودی در توزیع بار مالیاتی در تحلیل‌های سیاستی کاربردی‌اند.

تغییر خط مشی و چارچوب‌های تحلیل سیاست

فهم چگونگی تغییر سیاست مستلزم بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری سیاست‌گذاری است. سه چارچوب مهم که در این پژوهش به آنها استناد می‌شود عبارت‌اند از:

چارچوب ائتلاف مدافع: (Advocacy Coalition Framework- ACF) این چارچوب تأکید می‌کند که سیاست‌گذاری در سطح خرده‌سیستم‌های سیاستی صورت می‌گیرد و ائتلاف‌هایی از بازیگران با باورهای مشترک شکل می‌گیرند که از

طریق منابع و یادگیری سیاسی، جهت‌گیری‌های سیاست را تعیین می‌کنند. تغییرات عمیق معمولاً از طریق شوک‌ها یا فرایندهای یادگیری اتفاق می‌افتد. نظریه تعادل گسسته: (Punctuated Equilibrium Theory — PET) این نظریه توضیح می‌دهد که تغییرات سیاستی نه همواره پیوسته و تدریجی بلکه گاهی متناوب و با دوره‌های باثباتی طولانی که با انفجارهای سیاستی همراه است رخ می‌دهد. تمرکز بر تغییرات در سطح توجه عمومی و ساختار نهادی است. چارچوب: IAD (Institutional Analysis and Development — Elinor Ostrom) این چارچوب ساختار نهادی و نقش قواعد، بازیگران و تعاملات را در تعیین نتایج سیاستی تحلیل می‌کند و بر اهمیت طراحی مؤثر قواعد و مکانیزم‌های پاسخگویی تأکید دارد.

نظریه ذی‌نفعان (Stakeholder Theory) در سیاست‌گذاری عمومی

نظریه ذی‌نفعان که ریشه در مدیریت و علوم سیاسی دارد، بر این واقعیت تأکید می‌کند که گروه‌های مختلف با منافع متعارض یا متحد می‌توانند بر فرایند سیاست‌گذاری و نتایج آن تأثیر بگذارند. در زمینه مالیات، ذی‌نفعان شامل دولت (قوه مجریه، مجلس)، مودیان بزرگ و کوچک، بنگاه‌های اقتصادی، کارکنان سازمان امور مالیاتی، رسانه‌ها، نهادهای مدنی و نهایتاً افکار عمومی هستند. قدرت، منابع اطلاعاتی، ظرفیت شبکه‌سازی و سطح مشروعیت، از جمله شاخص‌هایی است که توان چانه‌زنی و اثرگذاری را تعیین می‌کند.

مباحث نظری مرتبط با رشد اقتصادی و سیاست مالیاتی

ادبیات رشد اقتصادی ارتباط پیچیده‌ای بین مالیات و رشد نشان می‌دهد. از یک سو، مالیات برای تأمین خدمات عمومی و سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی لازم است؛ از سوی دیگر، نرخ‌های بالای مالیاتی و ساختار ناکارا می‌تواند انگیزه سرمایه‌گذاری و تولید را کاهش دهد. مطالعاتی که بر نقش مالیات در رشد تمرکز کرده‌اند نشان می‌دهند که طراحی هوشمندانه پایه مالیاتی و سهولت اجرای آن (از جمله تقلیل فرار و افزایش اعتماد عمومی) می‌تواند اثرات مثبتی بر رشد داشته باشد.

مطالعات تجربی مرتبط با ایران

پژوهش‌های داخلی متعدد پیامدها و ساختارهای سیاست مالیاتی ایران را بررسی کرده‌اند. نکاتی که از این مطالعات استخراج می‌شود عبارت‌اند از: وابستگی به نفت، ضعف مدرن‌سازی سیستم مالیاتی، نبود داده‌های دقیق، ساختار نهادی متمرکز سازمان امور مالیاتی، و نقش برجسته انگیزه‌های سیاسی در تصمیم‌گیری‌های مالیاتی. در برخی مطالعات نیز تأکید شده که پذیرش الکترونیکی‌سازی امور مالیاتی (طرح جامع مالیاتی) می‌تواند ظرفیت وصول مالیاتی را افزایش دهد اما سازوکارهای نهادی و مقاومت ذی‌نفعان این مسیر را پیچیده می‌سازد.

روش‌شناسی پژوهش

رویکرد پژوهش

برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های پیچیده این مطالعه که به «چگونگی» و «چرایی» فرایندهای سیاستی می‌پردازد، روش پژوهش کیفی و به‌ویژه رویکرد داده‌بنیاد Grounded Theory (تحلیل مضمون) انتخاب شد. این رویکرد اجازه می‌دهد تا از دل داده‌های غنی کیفی مفاهیم و سازوکارهای نظری استخراج گردد و نظریه‌ای میان‌برد درباره تعامل بین ذی‌نفعان و پیامدهای سیاست مالیاتی ارائه شود.

جامعه آماری و نمونه‌گیری

جامعه مورد مطالعه شامل خبرگان و بازیگران ذی‌نفع در حوزه مالیات و سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران است: مدیران و کارشناسان سازمان امور مالیاتی، مقام‌های سابق و فعلی در وزارت اقتصاد و سازمان برنامه و بودجه، اساتید اقتصاد و مدیریت دولتی، نمایندگان بخش خصوصی (اتاق بازرگانی و صنوف)، فعالان جامعه مدنی و رسانه‌ای که در موضوع مالیات فعال بوده‌اند. نمونه‌گیری به صورت هدف‌مند و گلوله‌برفی انجام شد تا از تنوع دیدگاه‌ها و عمق اطلاعات اطمینان حاصل گردد. در مجموع، حدود ۲۸ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد.

ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار اصلی، راهنمای مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود که سؤالاتی پیرامون تجربه مصاحبه‌شوندگان از فرآیند خطمشی‌گذاری مالیاتی، نقش گروه‌های ذی‌نفع، موانع اجرایی، تأثیر سیاست‌های مالیاتی بر شاخص‌های اقتصادی و دیدگاه‌های آنان درباره عدالت و شفافیت مالیاتی داشت. هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید و با رضایت مصاحبه‌شوندگان ضبط و سپس نسخه‌برداری شد.

روش تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها بر مبنای سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. در کدگذاری باز، مفاهیم اولیه استخراج و برچسب‌گذاری شدند؛ در کدگذاری محوری، روابط بین مفاهیم و محورهای اصلی شکل گرفت؛ و در کدگذاری انتخابی، نظریه میان‌بردی نهایی که توضیح‌دهنده سازوکارهای تغییر خطمشی و اثرگذاری آن بر رشد اقتصادی بود، تدوین شد. برای افزایش روایی و پایایی، از تکنیک‌های سه‌گانه‌سازی داده، بررسی توسط اعضا و نگهداری دفترچه میدان استفاده شد.

ملاحظات اخلاقی

تمامی شرکت‌کنندگان از هدف پژوهش آگاه شده، رضایت کتبی یا شفاهی داده و تضمین شد که اطلاعات شخصی و حساس به‌صورت محرمانه نگهداری گردد. در نتایج، در صورت لزوم از رمزگذاری برای اشاره به مصاحبه‌شوندگان استفاده شده است.

یافته‌ها

تصویر کلی یافته‌ها

تحلیل داده‌ها منجر به استخراج سه ساختار کلان شد که رابطه میان سیاست مالیاتی و رشد اقتصادی را توضیح می‌دهند: (۱) ساختار توزیع منافع و تعادل قدرت میان ذی‌نفعان، (۲) کیفیت و کارایی نهادهای اجرایی و اطلاعاتی (نهادپردازی) و (۳) فرهنگ مالیاتی و مشروعیت اجتماعی. این سه ساختار از طریق فرایندهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یکدیگر را تقویت یا تضعیف می‌کنند و در مجموع تعیین‌کننده اثربخشی سیاست‌های مالیاتی هستند.

توزیع منافع و نقش ذی‌نفعان

یکی از قوی‌ترین تم‌ها در مصاحبه‌ها، نقش ذی‌نفعان در جهت‌گیری سیاست‌های مالیاتی بود. گروه‌هایی که منابع مالی، شبکه‌های سیاسی یا نفوذ رسانه‌ای داشتند می‌توانستند از طریق لابی‌گری، فشار سیاسی یا ارائه تحلیل‌های مختلف، جهت‌تغییرات مالیاتی را به نفع خود سوق دهند. نمونه‌هایی از زیرتم‌ها:

نفوذ ذی‌نفعان سنتی و منفعت‌طلب: بنگاه‌های بزرگ و صنوف با توان لابی قوی اغلب توانسته‌اند بخش‌هایی از بار مالیاتی را کاهش دهند یا معافیت‌های خاص دریافت کنند. یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت: «همیشه هر اصلاحی که بخواهد به نفع توزیع عادلانه‌تر مالیات تمام شود با مقاومت گروه‌هایی همراه است که رانت یا معافیت دارند.

نقش بازیگران رسمی (قوه مجریه، مجلس): تصمیم‌گیری نهایی در سیاست‌گذاری مالیاتی تابعی از آرایش سیاسی مجلس و اولویت‌های دولت است. در دوره‌هایی که دولت بر کاهش فشار بر گروه‌های خاص تأکید دارد، اصلاحات مالیاتی با کندی مواجه می‌شود.

شبکه‌های کارشناسی و اتاق فکرها: این گروه‌ها می‌توانند از طریق تولید ادبیات سیاستی و مدل‌های تحلیل، مسیر سیاست را تغییر دهند؛ اما مؤثر بودنشان مستلزم پذیرش توسط ائتلاف‌های قدرتمند است.

نهادهای داده‌ها و ظرفیت اجرایی

نهادهای اجرایی، به‌ویژه سازمان امور مالیاتی، و کیفیت داده‌ها نقش کلیدی در توانایی دولت برای طراحی و اجرای سیاست‌های مالیاتی کارا دارند.

ضعف اطلاعات و شفافیت: عدم دسترسی به داده‌های دقیق مالی و اقتصادی سبب می‌شود که برآوردهای اثر سیاست‌ها بر رشد اقتصادی و درآمد دولت با خطا همراه باشد. یکی از کارشناسان گفت: وقتی نمی‌دانیم پایه واقعی مالیات چقدر است، چگونه می‌توانیم نرخ مناسب تعیین کنیم؟

تمرکز اختیارات و فرهنگ اداری: تمرکز بیش از حد تصمیم‌گیری در برخی نهادها و ضعف مکانیسم‌های پاسخگویی، بهره‌وری اجرای سیاست‌های مالیاتی را کاهش می‌دهد.

پتانسیل فناوری و الکترونیکی سازی: مصاحبه‌شدگان بر این نکته توافق داشتند که توسعه سیستم‌های الکترونیکی و اتوماسیون فرایندهای مالیاتی می‌تواند منابع جدیدی برای وصول فراهم آورد، اما این تحول نیازمند تغییرات نهادی و ارتقای شفافیت است.

فرهنگ مالیاتی و مشروعیت اجتماعی

پذیرش اجتماعی مالیات و درک عمومی از عدالت مالیاتی برای موفقیت سیاست‌های مالیاتی ضروری است.
بی‌اعتمادی عمومی: عدم اعتماد شهروندان به نحوه مصرف درآمدهای مالیاتی یکی از دلایل فرار مالیاتی و مقاومت در برابر پرداخت است.

عدالت در بار مالیاتی: حس تبعیض یا نابرابری در وصول مالیات از گروه‌های مختلف، مشروعیت نظام مالیاتی را کاهش می‌دهد.

ابعاد فرهنگی و دینی: آموزه‌های اسلامی در مورد پرداخت و تقسیم درآمدها (زکات و سایر مفاهیم) می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب هنجاری برای طراحی سیاست‌های عادلانه مورد استفاده قرار گیرد؛ اما این موضوع نیازمند ترجمه عملی و انطباق با سازوکارهای مدرن است.

مدل مفهومی نهایی (خلاصه)

با ترکیب سه تم فوق، مدل مفهومی نهایی نشان می‌دهد که: توزیع منافع و تعادل قدرت میان ذی‌نفعان \rightarrow عملکرد نهادی و کیفیت داده‌ها \rightarrow مشروعیت و فرهنگ مالیاتی؛ این سه حوزه از طریق فرایندهای سیاستی (شامل لابی، یادگیری، شوک‌های بیرونی و تصمیم‌سازی مجلس/دولت) بر جهت و کیفیت تغییر خط‌مشی‌های مالیاتی اثر می‌گذارند. سیاست‌های مالیاتی زمانی اثر مثبت بر رشد اقتصادی خواهند داشت که: (الف) طراحی مبتنی بر شواهد و داده‌های قابل اتکا باشند، (ب) از عدالت و شفافیت برخوردار باشند و (ج) از طریق مشارکت ذی‌نفعان کلیدی مشروعیت یابند.

نقل‌قول‌هایی منتخب

- ✓ مصاحبه‌شونده ۷ (کارشناس مالیاتی): اگر قرار باشد مالیات عادلانه باشد، باید همه احساس کنند سهم منطقی می‌دهند و دولت برای استفاده آن پاسخگو باشد؛ در غیر این صورت، مقاومت و فرار تقویت می‌شود.
- ✓ مصاحبه‌شونده ۱۲ (عضو اتاق بازرگانی): در بسیاری از بحث‌ها، عدم دسترسی به اطلاعات دقیق، هر نوع اصلاحی را به بازی سیاسی تبدیل می‌کند.

بحث (تفسیر یافته‌ها در پرتو ادبیات)

تبیین یافته‌ها نسبت به چارچوب‌های تئوریک

یافته‌ها با پیش‌بینی‌های چارچوب ائتلاف مدافع هم‌راستا است؛ نهادها و گروه‌هایی که باورها و منافع مشترک دارند در قالب ائتلاف‌هایی عمل می‌کنند که می‌تواند ثبات یا تغییر سیاست را تسهیل یا مانع شود. در ایران، ائتلاف‌های قدیمی با مصالح مشخص، نظیر معافیت‌ها یا رانت‌های مالیاتی، عامل مقاومت در برابر اصلاحات اساسی بوده‌اند. مشابهت با نظریه تعادل گسسته نیز این است که تغییرات اساسی زمانی رخ می‌دهد که شوک‌های بیرونی (اقتصادی یا سیاسی) همراه با فرصت‌های نهادی برای بازتنظیم توجه عمومی و اجماع سیاستی فراهم شود.

پیامدهای اقتصادی سیاست‌های مالیاتی ناکارا

از منظر رشد اقتصادی، سیاست‌های ناکارا که بر پایه داده ناقص یا تحت تأثیر فشارهای ذی‌نفعان خاص تصویب می‌شوند، می‌توانند آثار زیر را داشته باشند: محدود شدن ظرفیت وصول، ناکارایی در تخصیص منابع، تشدید نابرابری درآمدی و تضعیف انگیزه سرمایه‌گذاری. بالعکس، سیاست‌هایی که با شفافیت، پایه گسترده مالیاتی و مشارکت طراحی شده باشند، می‌توانند منابع لازم برای سرمایه‌گذاری عمومی و تقویت رشد را فراهم کنند.

نقش آموزه‌ها و ارزش‌های اجتماعی (با توجه به متن ایران)

یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزه‌های اسلامی می‌تواند نقش هنجاری و مشروع‌سازی را ایفا کند؛ اما تلفیق این آموزه‌ها با نظام مالیاتی مدرن مستلزم ترجمه دقیق مفاهیم و طراحی سازوکارهای عمل‌یافته است. مثال: ترکیب ابزارهای مالیاتی با نظام‌های رفاهی و توزیعی منطبق بر ارزش‌های عدالت اجتماعی می‌تواند پذیرش عمومی را افزایش دهد.

سیاست‌گذاری جهت‌دار برای رشد اقتصادی

برای رسیدن به سیاست‌های مالیاتی که رشد را تسهیل کنند، لازم است هم‌زمان به سه حوزه کلیدی پرداخته شود: (۱) تقویت نهادهای اطلاعاتی و ارتقای شفافیت، (۲) بازطراحی فرایند سیاست‌گذاری برای ارتقای مشارکت و کاهش نفوذ منافع خاص، و (۳) تدوین بسته‌های سیاستی که هم‌زمان عدالت و کارایی را لحاظ کنند. نمونه اقداماتی که از مصاحبه‌ها

و ادبیات نتیجه گرفته شدند عبارت‌اند از: اصلاحات در سامانه اطلاعات مالیاتی، گسترش پایه مالیاتی با کاهش معافیت‌های غیرکارا، ایجاد مکانیسم‌های پاسخگویی و شفافیت در نحوه مصرف درآمدهای مالیاتی، و طراحی سیاست‌های انتقالی برای کاهش فشارهای توزیعی.

پیشنهاد‌های سیاستی و کاربردی تقویت داده و سامانه‌های اطلاعاتی

- ✓ توسعه سامانه اطلاعات مالیاتی یکپارچه و اتصال آن به سامانه‌های بانکی و ثبت شرکت‌ها برای افزایش شفافیت و کاهش فرار مالیاتی.
- ✓ راه‌اندازی پایگاه داده عمومی خلاصه‌شده درباره درآمدها و مصارف عمومی برای افزایش اعتماد عمومی.

بازطراحی فرایند سیاست‌گذاری و مشارکت ذی‌نفعان

- ✓ ایجاد عرصه‌های مشارکتی سازمان‌یافته برای ذی‌نفعان (شورای مشورتی مالیاتی متشکل از نمایندگان از دولت، بخش خصوصی، دانشگاه و جامعه مدنی) که به تولید سیاست‌های مبتنی بر شواهد کمک کند.
- ✓ محدود کردن امکان اعمال معافیت‌ها و تغییرات خارج از فرآیند قانونی و شفاف؛ معافیت‌ها باید بر مبنای تحلیل هزینه-فایده و اثرات توزیعی تعیین شوند.

سیاست‌های موقتی و انتقالی برای سازگاری

- ✓ طراحی مکانیسم‌های تعدیلی برای حمایت از کسب‌وکارهای آسیب‌پذیر در برابر اصلاحات مالیاتی (مثلاً فزبنندی اصلاحات، اعتبار مالیاتی هدفمند).
- ✓ کمپین‌های آگاهی‌بخشی عمومی درباره نقش مالیات و نحوه استفاده از درآمدها به منظور افزایش مشروعیت.

لحاظ ارزش‌ها و آموزه‌های اجتماعی

- ✓ استفاده از چارچوب‌های هنجاری (از جمله آموزه‌های اسلامی) در تدوین استراتژی‌های عدالت‌محور مالیاتی تا پذیرش اجتماعی افزایش یابد. این به معنای ترجمه هنجارها به سازوکارهای عملیاتی است.

محدودیت‌ها و پیشنهادات پژوهش‌های آتی

محدودیت‌ها

- ✓ پژوهش بر مبنای داده‌های کیفی و نمونه محدود مصاحبه‌شدگان انجام شده؛ لذا تعمیم نتایج به تمام عرصه‌های سیاست‌گذاری مالیاتی نیازمند احتیاط است.
- ✓ به دلیل تمرکز بر تهران و نهادهای ملی، جنبه‌های منطقه‌ای و محلی نظام مالیاتی کمتر مورد بررسی قرار گرفت.
- ✓ نبود دسترسی کامل به برخی داده‌های کلان اقتصادی محدودیت‌هایی در تحلیل کمی پیامدها ایجاد کرد.

پیشنهادات برای پژوهش آتی

- ✓ انجام مطالعات کمی و ترکیبی برای آزمون فرضیه‌های استخراج‌شده در این پژوهش.
- ✓ بررسی تطبیقی تجربه کشورهای با درآمد نفتی مشابه که توانسته‌اند وابستگی به نفت را کاهش دهند.

✓ مطالعه برنامه‌های عملیاتی برای تلفیق آموزه‌های دینی و سازوکارهای مالیاتی مدرن در پروژه‌های پایلوت.

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که رابطه میان سیاست‌های مالیاتی و رشد اقتصادی در ایران از پیچیدگی‌های نهادی و سیاسی معناداری برخوردار است. طراحی و اجرای سیاست‌های مالیاتی کارا مستلزم توجه هم‌زمان به توزیع منافع میان ذی‌نفعان، ارتقای ظرفیت سازمانی و داده‌ای و افزایش مشروعیت اجتماعی است. اصلاحات سطحی یا صرفاً فنی بدون توجه به این مؤلفه‌ها به احتمال زیاد نتایج مطلوب در افزایش درآمدهای پایدار و تسریع رشد اقتصادی نخواهد داشت. به‌منظور حرکت به‌سوی رشد متکی بر منابع داخلی، لازم است سیاست‌گذاران مسیر اصلاح را در قالب بسته‌هایی ترکیبی دنبال کنند که عدالت، کارایی و مشارکت را هم‌زمان تعقیب نمایند.

منابع

- ✓ توماج، یحیی، همت جو، رضا، (۱۳۹۶)، بررسی جایگاه حمل و نقل دریایی در توسعه تجارت بین الملل ایران، ششمین کنفرانس بین المللی مدیریت و حسابداری و پنجمین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری های باز، تهران.
- ✓ جعفری صمیمی، احمد، صالحی، علی، (۱۳۹۲)، بررسی وضعیت حمل و نقل هوایی و تاثیر آن بر رشد اقتصادی در استان های ایران، فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی، دوره ۲، شماره ۶.
- ✓ رهگذر، لیال، خرم دبیری، محمدرضا، (۱۳۹۰)، بررسی جایگاه و نقش آن در رشد و توسعه اقتصادی کشور، سومین همایش ملی اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمینی شهر.
- ✓ زالی، نادر، منصوری بیرجندی، سارا، (۱۳۹۴)، تحلیل عوامل کلیدی موثر بر توسعه حمل و نقل پایدار در افق ۱۴۰۴ کالانشهر تهران روش تحلیل ساختاری، برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۵، شماره ۲.
- ✓ Dwarakish, G., & Muhammad Salima, A. (2015). Review on the Role of Ports in the Development of a Nation. International Conference On Water Resources, Coastal And Ocean Engineering.
- ✓ Musso , A., Piccioni, C., & VandeVoorde, E. (2013). Italian seaports' competition policies: Facts and figures. journal homepage: www.elsevier.com/locate/tranpol.
- ✓ Zhang , D., Pengyu, Z., & Ye, Y. (2015). The effects of E-commerce on the demand for commercial real estate
- ✓ Fang, S., Wang, Y., Gou, B., & Xu, Y. (2019). Toward future green maritime transportation: an overview of seaport microgrids and all-electric ships. IEEE transactions on vehicular technology, 69(1), 207-219. DOI: 10.1109/TVT.2019.2950538
- ✓ Ghasemi, P., & Khalili-Damghani, K. (2021). A robust simulation-optimization approach for pre-disaster multi-period location-allocation-inventory planning. Mathematics and computers in simulation, 179, 69-95. https://doi.org/10.1016/j.matcom.2020.07.022
- ✓ Maadanpour Safari, F., Etebari, F., & Pourghader Chobar, A. (2021). Modelling and optimization of a triobjective Transportation-Location-Routing Problem considering route reliability: using MOGWO, MOPSO, MOWCA and NSGA-II. Journal of optimization in industrial engineering, 14(2), 83-98. DOI: 10.22094/joie.2020.1893849.1730
- ✓ Khancheh-zarrin, S., Panah, M. G., Mahdavi-Amiri, N., & Shiripour, S. (2021). A bi-level multi-objective location-routing optimization model for disaster relief operations considering public donations. Socioeconomic planning sciences, 101165. https://doi.org/10.1016/j.seps.2021.101165

- ✓ Ghasemi, P., Goodarzian, F., Gunasekaran, A., & Abraham, A. (2021). A bi-level mathematical model for logistic management considering the evolutionary game with environmental feedbacks. *The international journal of logistics management*. <https://doi.org/10.1108/IJLM-04-2021-0199>
- ✓ Khalilzadeh, M., Ghasemi, P., Afrasiabi, A., & Shakeri, H. (2021). Hybrid fuzzy MCDM and FMEA integrating with linear programming approach for the health and safety executive risks: a case study. *Journal of modelling in management*, 6(4), 1025-1053. <https://doi.org/10.1108/JM2-12-2019-0285>
- ✓ Pourghader Chobar, A., Adibi, M. A., & Kazemi, A. (2021). A novel multi-objective model for hub location problem considering dynamic demand and environmental issues. *Journal of industrial engineering and management studies*, 8(1), 1-31. DOI: 10.22116/jiems.2021.239719.1373
- ✓ Ozturk, O., & Patrick, J. (2018). An optimization model for freight transport using urban rail transit. *European journal of operational research*, 267(3), 1110-1121. <https://doi.org/10.1016/j.ejor.2017.12.010>
- ✓ Shafipour-Omrani, B., Rashidi Komijan, A., Ghasemi, P., Ghasemzadeh, E., & Babaeinesami, A. (2021). A simulation-optimization model for liquefied natural gas transportation considering product variety. *International journal of management science and engineering management*, 16(4), 279-289. <https://doi.org/10.1080/17509653.2021.1966346>
- ✓ Lynch, R. (2018). *Strategic management*. Fozhan Publications. (In Persian).
- ✓ Ahmadi Choukolaei, H., Jahangoshai Rezaee, M., Ghasemi, P., & Saberi, M. (2021). Efficient crisis management by selection and analysis of relief centers in disaster integrating GIS and multicriteria decision methods: a case study of Tehran. *Mathematical problems in engineering*, 2021. <https://doi.org/10.1155/2021/5944828>
- ✓ Rashidi Komijan, A., Ghasemi, P., Khalili-Damghani, K., & HashemiYazdi, F. (2021). A new school bus routing problem considering gender separation, special students and mix loading: a genetic algorithm approach. *Journal of optimization in industrial engineering*, 14(2), 23-39. DOI: 10.22094/joie.2020.1891023.1722
- ✓ Abdolazimi, O., Shishebori, D., Goodarzian, F., Ghasemi, P., & Appolloni, A. (2021). Designing a new mathematical model based on ABC analysis for inventory control problem: a real case study. *RAIROoperations research*, 55(4), 2309-2335. <https://doi.org/10.1051/ro/2021104>
- ✓ Babaeinesami, A., & Ghasemi, P. (2021). Ranking of hospitals: A new approach comparing organizational learning criteria. *International journal of healthcare management*, 14(4), 1031-1039. <https://doi.org/10.1080/20479700.2020.1728923>
- ✓ Cheaitou, A., & Cariou, P. (2019). Greening of maritime transportation: a multi-objective optimization approach. *Annals of operations research*, 273(1-2), 501-525.
- ✓ Ghasemi, P., Mehdiabadi, A., Spulbar, C., & Birau, R. (2021). Ranking of sustainable medical tourism destinations in Iran: an integrated approach using fuzzy SWARA-PROMETHEE. *Sustainability*, 13(2), 683. <https://doi.org/10.3390/su13020683>
- ✓ Dostkhahvajari, R., & Gholizade, M. H. (2014). Identification and ranking of factors affecting the road transit of products in the country. 2nd National conference on marketing research, Tehran. <https://civilica.com/doc/472150/>
- ✓ Goodarzian, F., Wamba, S. F., Mathiyazhagan, K., & Taghipour, A. (2021). A new bi-objective green medicine supply chain network design under fuzzy environment: Hybrid metaheuristic algorithms. *Computers & industrial engineering*, 160, 107535. <https://doi.org/10.1016/j.cie.2021.107535>
- ✓ Majumdar, A., Sinha, S. K., Shaw, M., & Mathiyazhagan, K. (2021). Analysing the vulnerability of green clothing supply chains in South and Southeast Asia using fuzzy

- analytic hierarchy process. *International journal of production research*, 59(3), 752-771. <https://doi.org/10.1080/00207543.2019.1708988>
- ✓ Koçak, S. T., & Yercan, F. (2021). Comparative cost-effectiveness analysis of Arctic and international shipping routes: a fuzzy analytic hierarchy process. *Transport policy*, 114, 147-164. <https://doi.org/10.1016/j.tranpol.2021.08.015>
 - ✓ Arahish, A. (2019). Identifying and prioritizing the factors affecting the increase of productivity in ports with AHP technique (case study: Chabahar port) (Master Thesis, Chabahar Maritime and Marine University).
 - ✓ KarimiNasab, E. (2018). Identifying and developing entrepreneurial opportunities in the field of Chabahar Milk-transit road transportation (Master Thesis for Sistan and Baluchestan University).
 - ✓ Musavi, S., Sayari, H., Poursadeq, N. (2017). IRI policies in sea transportation in light of velayat-efaqih discourse. *Interdisciplinary studies on strategic knowledge*, 1(2), 71-90. (In Persian). https://issk.sndu.ac.ir/article_44.html?lang=en
 - ✓ SohrabiFakher, H. (2015). Developing a model for prioritizing privatization strategies in the framework of public interest, Case Study: Iran's Rail Transportation Industry (Master Thesis for Raja Higher Education Institute). (In Persian).
 - ✓ Seyedamini, S. Sh. (2015). Identifying and prioritizing the factors affecting the capabilities of the border terminals of West Azerbaijan Province in the transit of products to / from the ports of the Mediterranean Sea, (Case study: Tamrchin border terminal) (Master Thesis for Persian Gulf University). (In Persian).
 - ✓ Solaymani, S., & Kari, F. (2014). Impacts of energy subsidy reform on the Malaysian economy and transportation sector. *Energy policy*, 70, 115-125. <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2014.03.035>
 - ✓ Mukundan, H. (2008). A comparative study of maritime operations in India (Doctoral dissertation, Massachusetts Institute of Technology). Retrieved from <http://hdl.handle.net/1721.1/38704>
 - ✓ Ghasemi, P., & Talebi Brijani, E. (2014). An integrated FAHP-PROMETHEE approach for selecting the best flexible manufacturing system. *European online journal of natural and social sciences*, 3(4), 1137-1150.